

پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



# راهکاری جهت تقویت رعایت اصول شریعت در قراردادهای بانکی

وهاب قلیچ

فرشته ملاکریمی

MBRI 9310

گزارش پژوهشی شماره

شهریور ۱۳۹۳

[www.mbri.ac.ir](http://www.mbri.ac.ir)



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

[www.mbri.ac.ir](http://www.mbri.ac.ir)

- دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و بانکی را منعکس نمی کند.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می باشد، لیکن استفاده از نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



## راهکاری جهت تقویت رعایت اصول شریعت در قراردادهای بانکی

وهاب قلیچ<sup>۱</sup>

فرشته ملاکریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

رتبه بندی بانکها از منظر مطابقت با اصول شریعت<sup>۱</sup> یکی از سیاست‌های انگیزشی جهت ترغیب هر چه بیشتر نظام بانکی به رعایت بهتر مقررات و اصول شریعت اسلامی در قراردادهای بانکی است. رتبه‌بندی بانکها و اعلان عمومی آن در سطح جامعه می‌تواند به افزایش اهتمام بانکها نسبت به رعایت اصول عملیات شریعت در عملیات بانکی خود و در نتیجه کسب تشخیص و اعتبار نشانه تجاری (برند) خود و نیز حفظ و جذب مشتریان بانکی بینجامد. با توجه به اینکه در مهمترین گام، التزام بانکها به اصول شریعت می‌بایست در دو ناحیه «متن قراردادهای بانکی» و «نحوه اجرای قراردادهای بانکی» عملیاتی شود، به تبع پیشنهاد می‌شود رتبه بندی بانکها نیز بر اساس دو شاخه مذکور صورت گیرد.

۱ - پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی

۲ - پژوهشگر گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی



## مقدمه

با توجه به تأکید رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر نیاز نظام بانکی به رتبه‌بندی و نیز الزام به نظارت و بازرسی بیشتر و ارائه گزارش‌های مستمر و همچنین با توجه به هدف‌گذاری اقتصاد ۱۳۹۳ در بسترسازی اجرای اصول و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که بیانگر حداقل‌سازی تخلفات و افزایش سلامت نظام بانکی بر اساس الگوهای بومی و اسلامی است، به نظر می‌رسد معرفی و شناسایی ابزارهای مورد نیاز برای افزایش سطح رعایت اصول شرعی بانکداری اسلامی در انعقاد قراردادهای بانکی ضروری باشد.

افزون بر این، وجود شبیهاتی بین عموم جامعه اعم از مراجع تقلید، اساتید، محققان و عموم مشتریان نسبت به رعایت کامل این اصول در فرایند انعقاد و اجرای قراردادها، ضرورت شفاف‌سازی عملیات بانکی و ارزیابی میزان انطباق قراردادهای بانکی با اصول شریعت را بیش از پیش گوشزد می‌نماید. مهم‌ترین شباهت در این زمینه عدم آگاهی از مفاد و ماهیت قراردادهای بانکی و در نتیجه صوری بودن معاملات، معضل جریمه دیرکرد و تغییر کارکرد عقود مشارکتی به عقود مبادله‌ای است.

بدیهی است رفع این شباهت از طریق اصلاح حوزه مقررات و نظارت بر عملکرد بانک‌ها بر اساس قواعد و اصول شریعت، ضمن افزایش جاهت و حسن شهرت نظام بانکی در داخل کشور و نیز در عرصه بین‌الملل، می‌تواند موجب افزایش اطمینان خاطر مشتریان نظام بانکی در کشور شود.

بنابراین در ادامه راهکار سیاستی جهت تقویت سطح رعایت اصول شریعت در قراردادهای بانکی ارائه شده و ضمن معرفی شاخص‌های این راهکار به نحوه اجرای آن اشاره می‌شود. مزایا و فوائد اجرای این طرح و موانع و محدودیت‌های آن نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

## ▪ راهکار سیاستی

با عنایت به اهداف و سیاست‌های کلی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و قانون عملیات بانکی بدون ربا، اتخاذ راهکارهای سیاستی به منظور ترغیب و التزام بیشتر شبکه بانکی کشور به اجرای کامل مقررات و اصول شریعت اسلامی ذیل قراردادهای بانکی، از مهم‌ترین برنامه‌های سیاستی نظام اقتصادی کشور به شمار می‌آید.

از این‌رو، جهت ترغیب هرچه بیشتر نظام بانکی به رعایت بهتر این اصول، می‌توان از سیاست انگیزشی «رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر مطابقت با اصول شریعت» استفاده نمود. انجام این رتبه‌بندی بانک‌ها و اعلان عمومی آن به ذینفعان، این انگیزه را در بین بانک‌ها به



وجود می‌آورد تا به منظور ارتقای تشخیص و اعتبار نشانه تجاری (برند) خود و نیز حفظ و جذب مشتریان بانکی، اهتمام بیشتری نسبت به رعایت اصول شریعت در عملیات بانکی خود داشته باشند.

بدیهی است بانک‌ها، چه در حوزه سپرده‌گذاری و چه در زمینه اعطای تسهیلات، با مشتریان وارد قرارداد می‌شوند. طراحی قرارداد در اختیار خود بانک‌هاست و بانک‌ها در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا و قانون مدنی و با استفاده از آیین‌نامه اجرایی ذی ربط بانک مرکزی به طراحی قرارداد مبادرت می‌ورزند. با نگاهی آسیب‌شناسانه نسبت به عملکرد نظام بانکی کشور در می‌یابیم که بخشی از مشکلات موجود در التزام عملی بانک‌ها به اصول شریعت اسلامی از دو ناحیه «متن قراردادهای بانکی» و «نحوه اجرای قراردادهای بانکی» ناشی می‌شود. از این جهت، رتبه‌بندی بانک‌های کشور در میزان التزام به اصول شریعت در دو شاخه فوق قابل طرح‌ریزی است. در همین راستا ابتدا به معرفی شاخص‌های مهم رتبه‌بندی بانک‌ها از حیث التزام به شریعت در متن قراردادها و اجرای آن پرداخته، سپس روش اجرای راهکار سیاستی را همراه با چک‌لیست سؤالات پیشنهادی ارائه نموده و در انتها به محدودیت‌ها و چالش‌های موجود در اجرای این راهکار سیاستی اشاره می‌نماییم.

#### ▪ شاخص‌های رتبه‌بندی

به منظور سنجش میزان انطباق با شرع، ضروری است قراردادهای بانکی را از دو منظر احکام و قواعد اختصاصی هر عقد و قواعد و احکام عمومی باب معاملات مورد سنجش قرار داد. هر یک از معاملات در فقه اسلامی تعریف و احکام خاص خود را دارد. اگر هنگام انعقاد قرارداد خاص، معامله با تعریف و ضوابطی که مورد نظر شرع است مخالفت داشته باشد، قطعاً چنین قراردادی فاقد مشروعیت لازم است. افزون بر این، عقود اسلامی هر کدام جهت تأمین نیازهای اقتصادی افراد، دارای کارکردها و آثار ویژه‌ای است که احکام قرارداد نیز با هدف تضمین آن مقرر گردیده است. توضیح این که برخی از معاملات اسلامی برای کسانی طراحی شده که قادر به تحمل ریسک نیستند و متمایل به انعقاد قرارداد با افراد قابل اطمینان هستند. برخی دیگر از قراردادهای نیز برای افراد خطرپذیر طراحی شده است. در واقع در اسلام گستره‌ای از قراردادهای مالی برای انواع گزینه‌ها و افراد-ریسک‌پذیر و ریسک‌گریز، و قابل اعتماد و غیرقابل اعتماد- به چشم می‌خورد. گرچه بازار سرمایه عموماً جذب‌کننده افراد ریسک‌پذیر است، ولیکن یک بانک اسلامی هم می‌تواند در تدوین و انعقاد قراردادهای ضمن تأمین نیازهای افراد و سلاقی مختلف، از طریق رعایت احکام اختصاصی عقود، کارکرد و آثار ویژه هر عقد را حفظ نماید.

یکی دیگر از معیارهای ارزیابی، میزان انطباق قراردادهای بانکی با مبانی و احکام عمومی شریعت است. قواعد فقهی ضوابط و چارچوب‌های کلی هستند که منشأ استنباط قوانین جزئی‌تر بوده و به یک مورد خاص و ویژه اختصاص ندارند؛ بلکه این قواعد عمومی مبانی قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، قواعد فقهی دستورهای کلی فقهی‌اند که در باب‌ها و بخش‌های گوناگون راه دارند و فقیه با نظر به این قواعد به استنباط احکام می‌پردازد. در فقه اسلامی برخی از قواعد فقهی به حوزه معاملات مربوط می‌شود،



به گونه‌ای که فقیه با ملاحظه این قواعد در مورد احکام شرعی معاملات، نظر و حکم به صحت یا بطلان یک قرارداد می‌دهد. توجه به این قواعد و رعایت آن در تدوین قراردادهای بانکی، به ویژه قراردادهای جدید، در احراز مشروعیت قرارداد نقش بسزایی دارد.

با توجه به اهمیت دو حوزه معرفی شده در زمینه صحت شرعی معاملات، لازم است استخراج و ارائه شاخص‌های رتبه‌بندی ناظر به این دو حوزه باشد. بر همین اساس در این قسمت، مهم‌ترین شاخص‌هایی که رعایت آن چه در متن قراردادهای بانکی و چه در مرحله اجرا از ضرورت برخوردار است، ارائه می‌شود. این شاخص‌ها عبارتند از:

واقعی بودن قرارداد؛ به گونه‌ای که مشتری و بانک با یک مفهوم مشترک آنچه را که در عالم واقع در پی آن هستند، قصد نمایند. اگر انعقاد قراردادها به نحوی باشد که قصد طرفین قرارداد با آنچه در حقیقت اتفاق می‌افتد، متفاوت باشد و صورت قرارداد تنها ابزاری برای انتقال تسهیلات و کسب سود باشد، بی‌آنکه متعاملین نسبت به موضوع قرارداد و احکام و ضوابط آن پایبند باشند، قرارداد به شکل واقعی و در مسیر صحیح خود صورت نپذیرفته و مصداق این قاعده فقهی می‌گردد که «ما وقع لم يقصد و ما قصد لم يقع». در واقع بدون آگاهی طرفین از ماهیت قرارداد، اثری که بر ایجاب و قبول صورت گرفته، مترتب نیست و مالکیت طرفین نسبت به عوضین معامله دچار اشکال می‌گردد. احراز قصد واقعی متعاملین از طریق سنجش میزان آگاهی آنها میسر است، به نحوی که بدانیم متعاملین تا چه حد در خصوص قرارداد، توجیه شده یا هنگام انعقاد معامله، قرارداد را مطالعه نموده‌اند.

شروط ضمن عقد نیز نشانه دیگری برای کشف قصد متعاملین است. گنجاندن شروطی که قرارداد را از ماهیت و کارکرد واقعی خویش خارج سازد، حاکی از عدم قصد جدی طرفین معامله است. این شروط شاید به صورت مستقل منع شرعی نداشته باشند، اما در صورتی که منجر به تغییر ماهیت قرارداد شوند صحیح نخواهند بود.

توجه به آثار و کارکردهای واقعی قرارداد؛ در بسیاری از موارد در تنظیم و انعقاد قراردادهای بانکی تنها با رویکرد صرف فقهی به تبیین موضوع، احکام و شروط قرارداد توجه می‌شود. چه بسا این شروط از جهت فقهی به صورت مجزا بلااشکال باشند، ولی در کنار سایر شروط و در بعد کلان، نتایجی را در پی بیاورند که قرارداد را از ماهیت و کارکرد واقعی خود خارج ساخته و مجموعه این شروط با ذات، ماهیت و مقاصد قرارداد در پی آن است در تناقض باشد.

به بیان دیگر، ممکن است یک شرط در سطح خرد مطابق با شریعت تلقی شود، اما همان شرط از منظر کلان، تطابق چندانی با شریعت نداشته باشد. به عنوان مثال در برخی موارد در عقود مشارکتی شروطی گنجانده می‌شود که با دفع هرگونه ضرری از بانک، عقد را از حالت مشارکتی خارج ساخته و کاملاً به عقود مبادله‌ای با نرخ سود ثابت و از پیش تعیین شده تبدیل می‌نماید. این مسئله اگرچه از لحاظ خرد در فقه اسلامی بلامشکل است، ولیکن ضمن مغایرت با روح عقود مشارکتی، در ابعاد کلان موجب می‌شود تا اقتصاد جامعه از مزایای این عقود محروم شود.



دوطرفه بودن معامله و پرهیز از تحمیل یکطرفه در شروط و مفاد قرارداد؛ در بسیاری از موارد شروط ضمن عقد در قراردادهای بانکی صرفاً با هدف تضمین منفعت بانک صورت می‌پذیرد. در مقابل، این شروط حق هر گونه چانه‌زنی از مشتری را سلب نموده و مشتری را در شرایطی قرار می‌دهد که برای دریافت تسهیلات مجبور به پذیرش مفاد قرارداد گردد، در حالی که بار سنگین مسئولیت‌ها و خسارات احتمالی نیز بر عهده وی قرار دارد. به طور قطع چنین معامله‌ای مخالف قاعده عدل و انصاف است. گرچه این بدان معنی نیست که هرگونه ادعایی از مشتریان در مورد تحقق خسارت را باید پذیرفت؛ بلکه مقصود این است که باید سازوکاری تنظیم نمود که در صورت اثبات خسارت واقعی، بانک نیز در تحمل خسارت شریک باشد و از سوی مقابل، در صورت اثبات کذب بودن ادعا، مدعی با جریمه مواجه گردد.

البته شروط ضمن عقد، افزون بر ماهیت تحمیلی در برخی موارد، خلاف فقه نیز هستند؛ مثل تضمین پرداخت سود در قرارداد مشارکتی که در نهایت کار به سود نیانجامیده باشد. شروط تحمیلی حاکی از آن‌اند که برخی از بانک‌ها می‌خواهند از امتیاز عقود مشارکتی برخوردار شوند بدون اینکه مسئولیتی داشته باشند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل این مسئله، عدم دسترسی بانک‌ها به اطلاعات مشتری است. وقتی بانک در یک فعالیت اقتصادی با یک مشتری شریک می‌شود، ولی دسترسی به اطلاعات ندارد و نمی‌داند هزینه‌های تولید، میزان آن و قیمت فروش و در نهایت سود انتظاری این فعالیت و سهم بانک از سود این فعالیت اقتصادی چقدر است، به هیچ وجه نمی‌تواند اعتماد نماید. لذا در این گونه موارد بانک به دنبال راهکاری است که خود را مصون بدارد و به همین دلیل، در برخی از موارد هر طور شده می‌خواهد ریسک را به شریک منتقل کند.

رعایت ضوابط اختصاصی قراردادهای بانکی؛ هر یک از عقود بانکی در فقه اسلامی دارای احکام و ضوابط خاصی است که رعایت آن موجب مشروعیت آن می‌گردد. به عنوان مثال برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره با بقای اصل آن ممکن باشد، به این معنی که مالی که منفعت آن مورد اجاره قرار می‌گیرد باید از اشیایی باشد که در اثر انتفاع از آن عین مال معدوم نگردد یا در بیع سلم، می‌بایست مبیع مؤجل و اجل معلوم باشد. در صورتی که فروشنده در تسلیم مبیع تأخیر نماید، خریدار اختیار فسخ بیع را دارد. همچنین مقدار و وصف مبیع، قابل تعیین باشد و در سررسید کمیاب نباشد، بلکه به طور معمولی موجود باشد. فروشنده و خریدار نیز باید بدانند که مبیع در موعد مقرر وجود خواهد داشت. در این نوع بیع لازم است که ثمن در هنگام انعقاد بیع به فروشنده داده شود. در صورتی که تنها بخشی از ثمن داده شود، بیع سلم فقط نسبت به همان بخش صحیح است و نسبت به بخشی که ثمن آن پرداخت نگردیده باطل خواهد بود.

بدیهی است رعایت ضوابط اختصاصی عقود هم در حوزه قوانین و مقررات و تدوین قراردادهای بانکی الزامی است و هم در مرحله اجرا می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.



تعهد و پایبندی طرفین قرارداد؛ وفای به عهد و عمل به تعهدات پذیرفته شده از واجبات دینی است. این اصل مسلم در قراردادهای بانکی هنگامی قابل اجراست که طرفین تا انتهای مدت قرارداد، نسبت به موضوع قرارداد و ضوابط و آثار آن، تعهد خود را به اجرا برسانند. ممنوعیت ربا: جهت جلوگیری از بروز ربا در قراردادهای بانکی می‌بایست به دو نکته توجه نمود. نخست اینکه متعاملین می‌بایست نسبت به ماهیت و حقیقت عقد آگاهی، قصد و رضایت حقیقی داشته باشند تا یک معامله واقعی با همه لوازم و آثارش محقق شود؛ نه اینکه تنها مقداری پول به انگیزه کسب سود و دریافت اضافه رد و بدل گردد. دوم اینکه متعاملین افزون بر آگاهی و تراضی حقیقی، باید در تنظیم قرارداد به گونه‌ای عمل نمایند که خود را در ورطه ربا نیندازند. به عنوان نمونه، اگر قرارداد بانکی مربوط به عقد قرض بود می‌بایست از شرط کردن هر گونه زیاده و منفعت پرهیز نمایند تا از تحقق ربای قرضی جلوگیری گردد. در سایر عقود بانکی نیز می‌بایست از ربای جاهلی پرهیز شود. ربای جاهلی عبارت است از افزایش بدهی در مقابل تمدید مهلت و زمانی اتفاق می‌افتد که مشتری از بازپرداخت تسهیلات در موعد مقرر در قرارداد سرباز زند و بانک در مقابل اجازه تأخیر در بدهی مبلغ مازادی را دریافت دارد.

ممنوعیت اکل مال به باطل: طبق این اصل از نظر اسلام، معاملاتی مانند: خرید و فروش، اجاره، صلح بر اشیائی که منفعت عقلایی ندارند، معاملات مدت‌داری که به دید عقلا توان پرداخت آنها نیست و بلاوجه هستند، همگی اکل مال به باطل و حرام می‌باشند. همچنین در بسیاری از معاملات ممکن است برای رهایی از محذوریت‌های شرعی از عقد خارج لازم و صلح استفاده شود که چنانچه منفعت عقلایی بر این قراردادها مترتب نباشد، مصداق اکل مال به باطل بوده و غیرمشموع تلقی می‌گردد. به عنوان مثال در قرارداد مشارکت مدنی، مشتری به عنوان شریک حق رجوع و فسخ قرارداد را در ضمن عقد خارج لازم از خود سلب و اسقاط می‌نماید. بدیهی است که اسقاط این حق تنها با تحقق عقد خارج لازم به صورت واقعی و معقول و با دریافت عوضی متناسب، میسر است.

ممنوعیت ضرر و ضرار: به مقتضای این قاعده، شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله و یا شرایط معامله، باعث ضرر و ضرار نشود. بر این اساس بانک مرکزی و بانک‌های اسلامی وظیفه دارند در وضع قوانین و ضوابط، تنظیم قراردادها و انجام فعالیت‌های بانکی، افزون بر مصالح بانک به رعایت حقوق مشتریان به ویژه جامعه توجه کنند. اصل شفافیت و نهی غرر: بر اساس حدیث معروف «نهی النبی عن بیع الغرر»، آن گروه از معاملات که در اثر خدعه، غفلت و جهالت در میزان عوضین و شرایط و ضوابط و یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کند و مال یکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض نابودی قرار می‌دهد، از دایره قراردادهای مجاز خارج و محکوم به فساد است. مطابق این قاعده واجب است معاملات بانکی بدون هیچ نوع ابهام و جهالتی نسبت به حقوق بانک و مشتریان انجام شوند. وجود هر گونه ابهام قرارداد را از مشروعیت خارج می‌نماید.

توجه به دلایل تخلف مشتریان: مطابق اصل فقهی انظار معسر، اگر فرد بدهکار به دلیل اعسار و عدم تمکن مالی قادر به بازپرداخت بدهی خویش نبود، بر طلبکار واجب است تا زمان به دست آوردن توانایی مالی به وی مهلت دهد. بدیهی است که برخی از مشتریان نظام





بانکی نیز بدون داشتن قصد تخلف و تنها به دلایلی همچون اعسار و ورشکستگی قادر به بازپرداخت دیون خویش نیستند. بر اساس این اصل فقهی ضروری است بانک به ایشان در تأدیه اصل بدهی مهلت دهد و از تحمیل جریمه تأخیر به ایشان خودداری نماید. برخورد یکسان با مشتریانی که در پرداخت اقساط خویش تأخیر نموده‌اند، نه تنها ناقض اصل انظار معسرین است، بلکه مخالف قاعده عدل و انصاف نیز می‌باشد.

حال پس از معرفی شاخص‌های رتبه‌بندی به روش اجراسازی این راهکار سیاستی پرداخته می‌شود.

## اجرای راهکار سیاستی

«رتبه‌بندی بانک‌ها از منظر مطابقت با اصول شریعت» به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- تشکیل کمیته‌ای مرکب از اساتید متخصص و مجرب در علم حقوق و قراردادهای بانکی و مباحث بانکداری اسلامی با عنوان کمیته رتبه‌بندی مطابقت با اصول شریعت. حضور توأمان کارشناسان حقوقی، اقتصادی و بانکی در این کمیته ضرورت دارد.
- تدوین چک‌لیست در دو حوزه «بررسی متن قراردادهای بانکی» و «بررسی اجرای قراردادهای بانکی» با ضرایب متفاوت که بر حسب میزان اهمیت شاخص‌ها و محورهای چک‌لیست‌ها تعیین می‌گردد.
- تدوین دامنه‌هایی برای میزان انطباق با هر محور
- تنظیم ضریب اهمیت هر محور در رتبه‌بندی نهایی و نحوه محاسبه امتیاز کلی
- تشکیل کادر همیاران از نیروهای آشنا به مباحث حقوقی و بانکی، جهت اخذ اطلاعات بانک‌ها اعم از جمع‌آوری متن قراردادها، کسب اطلاعات از نحوه اجرای قراردادها به روش‌های مصاحبه، گزارش، بازرسی و غیره. پیشنهاد می‌شود، این طرح ابتدا در یک بانک یا مؤسسه اعتباری به صورت آزمایشی اجرا شود.
- بررسی و پالایش اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کمیته و اعطای امتیاز به بانک‌ها بر اساس آن.
- تلفیق رتبه بانک در دو محور فوق و رتبه‌بندی بانک‌ها بر اساس روش تلفیقی طراحی شده.
- تشویق و تقدیر از بانک‌های با رتبه‌های برتر و اعلام اخطار به بانک‌های با رتبه پایین.
- تکرار سالانه رتبه‌بندی.



## بررسی متن قراردادهای بانکی

کمیته رتبه‌بندی مطابقت با اصول شریعت با کمک کادر همیاران، به منظور بررسی متن قراردادهای بانکی، پس از اعلام عمومی، متن قراردادهای عقود مختلف هر بانک را جمع‌آوری نموده و مطابق با شاخص‌های معین به قراردادهای بانکی امتیاز می‌دهد. جدول امتیازی توسط کارشناسان فقهی، حقوقی و اقتصادی کمیته رتبه‌بندی مطابقت با اصول شریعت برای هر یک از قراردادهای بانک مدنظر تکمیل می‌شود. جدول (۱)، یک نمونه پیشنهادی از این جداول امتیازی را نشان می‌دهد.

جدول ۱ - نمونه پیشنهادی امتیازدهی متن قراردادها

شماره	شاخص‌های رتبه‌بندی	محور
۱	واقعی بودن قرارداد	در قراردادها از متعاملین خواسته شده متن قراردادها را به صورت کامل و دقیق مطالعه و با آگاهی از ماهیت آن، قصد نمایند.
۲	اصل شفافیت و نهی غرر	اصطلاحات تخصصی قراردادها دارای توضیح و تفسیر مکفی برای مشتریان بوده و متن قراردادها عاری از ابهام است.
۳	-واقعی بودن قرارداد -ممنوعیت ربا	شروط ویژه در قراردادها از جمله وجه‌التزام جریمه تأخیر تأدیه، در متن قرارداد به مشتری تفهیم می‌شود.
۴	اصل شفافیت و نهی غرر	عوضین قرارداد برای مشتریان معلوم و معین است.
۵	دوطرفه بودن معامله و پرهیز از تحمیل یکطرفه در شروط و مفاد قرارداد ممنوعیت ضرر و ضرار	متن قراردادها به صورت یکطرفه و تنها به نفع بانک نیست.
۶	واقعی بودن قرارداد ممنوعیت ربا	شروط ضمن عقد موجود در قراردادهای مشارکتی حاکی از آن است که بانک و مشتری حقیقتاً قصد مشارکت در فعالیت اقتصادی را دارند.
۷	-دوطرفه بودن معامله و پرهیز از تحمیل یکطرفه در شروط و مفاد قرارداد	در عقود مشارکتی، سهم بانک و مشتری از زیان و خسارات احتمالی تعیین شده و از تحمیل کل ضرر به مشتری پرهیز شده است.
۸	واقعی بودن قرارداد ممنوعیت اکل مال به باطل	عقود خارج لازم در قراردادهای صورت واقعی و عقلایی دارد.
۹	ممنوعیت ربا	در قراردادهای بانکی، شبهه ربا وجود ندارد.
۱۰	توجه به آثار و کارکردهای واقعی قرارداد	در تنظیم قراردادها با نگاهی واقع‌بینانه به کارکرد، آثار و نتایج حقیقی معامله توجه شده است.



## ■ بررسی اجرای قراردادهای بانکی

کمیته رتبه‌بندی مطابقت با اصول شریعت با کمک کادر همیاران، می‌تواند برای بررسی عملیات بانکی و سنجش میزان تطابق آن با شاخص‌های مدنظر، جدول امتیازی در قالب چک‌لیست‌هایی را تهیه و به صورت تصادفی از طریق مصاحبه، مشاهده و نظرخواهی از مشتریان و کارکنان بانکی، آنان را تکمیل نماید. جدول (۲) یک نمونه پیشنهادی از این جداول امتیازدهی را نشان می‌دهد.

جدول ۲ - نمونه پیشنهادی امتیازدهی اجرای قراردادها

شماره	شاخص‌های رتبه‌بندی	محور
۱	واقعی بودن قرارداد	گیشه آموزش در شعب بانک‌ها برای پاسخگویی به سؤالات فقهی، حقوقی و اقتصادی مشتریان از آمادگی لازم برخوردار است.
۲	- واقعی بودن قرارداد - اصل شفافیت و نهمی غرر	متن قراردادها به آسانی در دسترس مشتریان قرار دارد تا قبل از امضای آن، در وقت کافی آن را مطالعه کرده و با آگاهی کامل از مفاد قرارداد که به صورت کامل و شفاف و بدون هرگونه ابهامی توضیح داده شده، آن را امضا نمایند.
۳	- واقعی بودن قرارداد - اصل شفافیت و نهمی غرر	مشتریان پس از انعقاد قراردادها، یک نسخه از قرارداد را در اختیار می‌گیرند.
۴	واقعی بودن قرارداد	کارمندان بانک، به مشتریان پیشنهاد تحویل فاکتور صوری نمی‌دهند.
۵	واقعی بودن قرارداد	فاکتورهای دریافت‌شده از مشتریان، واقعی و غیرصوری هستند.
۶	واقعی بودن قرارداد	بانک دارای سازوکار نظارتی مبنی بر نظارت بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات توسط مشتریان است.
۷	-تعهد و پایبندی طرفین قرارداد -ممنوعیت اکل مال به باطل	نظارت بانک به صورت صحیح انجام‌شده و موجب گردیده تا مشتریان، تسهیلات دریافتی را در موضوع قرارداد، مصرف نمایند و اطلاعات نادرست در اختیار بانک قرار ندهند.
۸	-ممنوعیت ربا -توجه به دلایل تخلف مشتریان	بانک دارای سازوکار مناسب دریافت مطالبات معوق است و رفتار بانک در استفاده از جریمه تأخیر تأدیه و مهلت دادن به بدهکاران، نشان‌دهنده جواز در تأخیر بازپرداخت تسهیلات به ازای مبلغ بیشتر نمی‌باشد.
۹	- توجه به آثار و کارکردهای واقعی قرارداد - ممنوعیت ربا	بانک به لوازم و شرایط اجرای قراردادهای مشارکتی متعهد بوده و آن را در واقعیت، تبدیل به قراردادهای مبادله‌ای نمی‌سازد.
۱۰	-تعهد و پایبندی طرفین قرارداد	بانک مفاد قراردادها را به طور کامل، اجرا می‌کند.
۱۱	- ممنوعیت ضرر و ضرار - ممنوعیت ربا	مابه‌التفاوت سود واقعی و علی‌الحساب به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود.
۱۲	توجه به دلایل تخلف مشتریان	بانک‌ها با مشتریان معسر و ورشکسته مطابق قانون ورشکستگی رفتار و از تحمیل جریمه تأخیری به ایشان خودداری می‌نمایند.



شماره	شاخص‌های رتبه‌بندی	محور
۱۳	ممنوعیت ربا	قرعه‌کشی بانک‌ها به منظور تشویق مشتریان در قراردادهای قرض‌الحسنه، منجر به شرط زیادت و شبهه ربا نمی‌شود.

گرچه امکان ارزیابی دقیق محورهای چک‌لیست‌های پیشنهادی در فوق، اندکی دشواری به نظر می‌رسد، ولیکن این پیشنهاد برای شروع کار و تکمیل در دوره‌های آتی مفیدفایده به نظر می‌آید.

### ■ مزایا و فواید اجرای طرح

جمع امتیازات بانک‌ها در دو حوزه فوق، محاسبه رتبه ترکیبی و اعلام رتبه بانک‌ها در التزام به اصول شریعت (که با تقدیر از آنان همراه است)، به افزایش انگیزش نظام بانکی در رعایت موازین شرعی و تقویت نظام کنترل و نظارت داخلی کمک می‌رساند. بانک‌ها می‌توانند از دو حیث به این جریان کمک برسانند. اول بررسی مجدد و بازبینی قراردادهای بانکی بر حسب شاخص‌های اسلامی و رفع نواقص آن و دوم ایجاد و تقویت نهاد نظارتی بر حسن اجرای قراردادها.

گرچه نمی‌توان توقع داشت که اجرای این سیاست بتواند به طور کامل رفع مشکلات قراردادهای بانکی و اجرای صحیح آن را تضمین نماید، اما مطمئناً انجام رتبه‌بندی و اعلان عمومی نتایج آن می‌تواند انگیزه‌ای باشد برای فعالان نظام بانکی تا قدمی هرچند کوچک در این مسیر بردارند.

همچنین انجام سیاست رتبه‌بندی بانک‌ها بر حسب التزام به شریعت در حیطه قراردادها و اجرای آن، منافی انجام سایر سیاست‌های نظارتی و ابلاغ دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا نیست. بلکه این توأمان شدن سیاست‌های تشویقی در کنار التزامات قانونی و اجباری است که می‌تواند نظام بانکی را در مسیر عملکردهای بهتر و صحیح‌تر راهنمایی سازد.

### ■ موانع و محدودیت‌های اجرای طرح

از جمله موانع و محدودیت‌های اجرای این راهکار سیاستی می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- افزایش بروکراسی و حجم فعالیت‌های دولتی با تشکیل کمیته مرکزی رتبه‌بندی بانک‌ها بر حسب التزام به شریعت (در صورتی که نهاد دولتی، متولی این امر باشد).
- فقدان شفافیت کافی عملیات بانکی جهت ارزیابی التزام به اصول شریعت شبکه بانکی کشور و افزایش احتمال ارائه اطلاعات نادرست
- آگاهی اندک عموم مشتریان بانکی از قراردادهای بانکداری اسلامی



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- آگاهی ناکافی کارمندان و مسئولان بانکی از قراردادهای بانکداری اسلامی
  - کمبود نیروهای متخصص جهت جمع‌آوری اطلاعات و گزارش‌های لازم از نظام بانکی
- وابستگی شدید رتبه به امتیاز در نظر گرفته شده برای هر محور و دشواری کاهش شدت نسبی بودن روش لحاظ امتیاز در هر محور.



پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، پلاک ۱۰  
کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

[www.mbri.ac.ir](http://www.mbri.ac.ir)